



تصاویر و کلیپ‌های متعددی از حضور شهدا به ویژه شهدای مدافع حرم در پیاده‌روی اربعین وجود دارد که بسیار در فضای مجازی پخش‌ش گردیده است. هر سال نیز شهدا پیشتاز و میدان‌دار در راه‌پیمایی اربعین هستندند و نام و تصاویر بسیار و بی‌شمار شهدا از ملیت‌های مختلف در موکب‌ها و مسیر پیاده‌روی اربعین چشم‌نواز و روح‌افزا هستند و به روشنی زنده بودن شهدا و ادامه راه شهیدان را تداعی می‌نمایند. پیاده‌روی و زیارت به نیت از شهدا نیز مکرراً انجام می‌شود.

یادی می‌نماییم از چند شهیدی که به فاصله کوتاهی قبل از شهادت‌شان در راه‌پیمایی اربعین حضور داشته‌اند.

شهدای قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس
شهیدان پیشتاز احیای راه‌پیمایی اربعین
بدون شک پیشتاز و علمدار و پرچمدار این شهدا، شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس هستند.

ابرج مسجدی سفیر ایران در عراق در کنگره بین‌المللی سرداران شهید مقاومت و اربعین که در سال ۱۳۹۹ برگزار شد، گفت: شهید سلیمانی اهتمام و تأکید بسیاری نسبت به برپایی مراسم پیاده‌روی اربعین حسینی داشتند. شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس به مسئولان، مجریان و برگزارکنندگان مراسم اربعین در ایران و عراق تأکیدات بسیاری داشتند مبنی بر اینکه خدمت به زائر وطقفه ما بوده و باید به بهترین وجه انجام شوند.
حجت‌الاسلام والمسلمین سید حمیدالحسینی، نماینده اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های کشورهای اسلامی در عراق، در کنگره بین‌المللی سرداران شهید مقاومت و اربعین در مورد خدمات شهید قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس در زمینهٔ راه‌پیمایی اربعین خاطر‌نشان نمود؛ ایام نخستین زیارت اربعین در روز ۱۷ صفر سال ۲۰۰۳ میلادی، مردم نجف از این شهر خارج شدند، روز شهادت امام رضا(ع) قصد تسلیت به امیرالمؤمنین و در حال راه‌پیمایی به سوی کربلا بودند؛ این در زمان اشغال عراق بود. اعتقاد این دو شهید این بود که هر چه تعداد زائران این مسیر زیاد شود، اشغالگران خواهند دید که جایی در عراق نخواهند داشت و این رمز پیروزی عراق است.

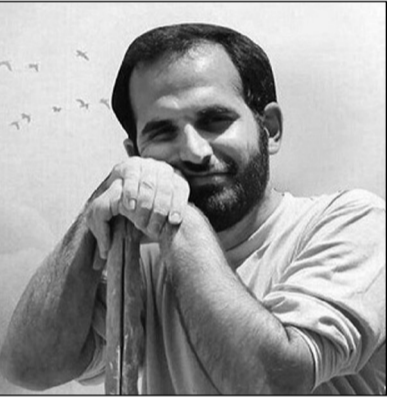
وی تصریح کرد: دیدگاه‌های شهیدان سلیمانی و ابومهدی درباره راهی کردن همه مردم به راه‌پیمایی اربعین دلیل اساسی شد که آمریکا این ملت را شکست‌ناپذیر دید، چرا که به سرور آزادگان حضرت اباعبدالله (حسین^ع) اعتقاد دارد. به همین جهت راه این بزرگواران این بود که بعد از زیارت اربعین برای زیارت اربعین سال بعد برنامه‌ریزی می‌کردند.
حجت‌الاسلام والمسلمین الحسینی درباره موکب‌های مسیر پیاده‌روی اربعین، گفت: آن زمان موکب ساخته شده وجود نداشت و همه چادر بود، چادرها از هم فاصله داشت؛ به این جهت ساخت و سازها شروع شد و شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس بر این اصرار داشتند که این مسیر ساخته و باز شود و به این جهت اعتقاد داشتند که این راه باید بین‌المللی شود؛ تمام کشورها باید بایند. وی از پیگیری شدید شهدیان حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس درباره پیاده‌روی اربعین حتی در صورت عدم حضور در عراق با فعالیت در جبهه‌های جنگ گفت: این شهیدان همواره به این راه‌پیمایی چشم داشتند و آن را دنبال می‌کردند. ایشان برنامه‌ریزی کردند تا این زیارت به امنیت کامل رسید تا جایی که در سال‌های اخیر به امنیت صد درصد رسید.

حجت‌الاسلام الحسینی افزود: هر چند انفجار بازسازی عتبات عالیات را زد، او بانی شکل‌گیری این ستاد شد.
ی.بداعا کار کرد که مردم تازه بعد از شهادت‌ش باخبر شدند این ستاد معنوی و بزرگ هم کار و یادگار اوست.
تازه بعد از ۱۳ دی ۱۳۹۸ معلوم شد که اگر امروز در امن‌امان، زائر عتبات عالیات می‌شویم، نتیجه خدمت‌ها و درایت شهید سلیمانی است…

یعنی‌ها چطور سال‌ها در حرم اهل‌بیت(ع) کوتاهی و جسارت کرده بودند؟ حرم‌ها این‌چنان‌که باید فروزش نبودند، اگر جایی فرش داشته چنان غبارپوش بوده که گاهی باید برای دیدن نقش فرش، قالی را می‌تکاندی. گوشه برخی فرش‌ها هم سوخته و پاره بودند.
و دیوارها فرسوده بودند و

گاه رد اهانت بعضی‌ها روی‌شان پیدا بود مانند آنچه در انتفاضه شعبانیه مردم عراق در اعتراض به صدام و عملکردش شکل‌گرفته بود.
زناله‌هایی که دورتاور حرم‌رها می‌شدند و در حرم که به‌ندرت باز بود، چه برسد به اقامه نماز جماعت و مناسبت‌های مذهبی، حتی یکبار وقتی قرار به زیارت و حضور سردار سلیمانی در حرم می‌شود، می‌گردند تا خادم دربان را ببیند!
کنند، در حرم را باز کند. اگر از توضیحات دانایی‌فراسخفیر سابق ایران در بغداد، وام بگیریم می‌توان عنوان دیگری برای سردار مطرح کرد؛ «معمار مقاومت» که در اولین قدم، امنیت حرم‌ها را به کمک ظرفیت‌های بومی و جوانان شیعه تأمین کرد.
در گام‌های بعدی، مهرها و افرادی را رونق و

آبادی‌شان و پیوند معنوی دو ملت ایران و عراق را انجام داد.
سردار عتبات عالیات و پیاده‌روی اربعین را نقطه سراز و پایگاه تمدن نوین اسلامی می‌دانست. سردار سلیمانی، مهرها و افرادی را برای این کار دور هم جمع کرد و پای‌کار آورد که می‌دانستد وقتی چیزی از آنها خواسته می‌شود بی‌پناهه و بهترین شکل باید انجام می‌شد. همین نیروها خودشان هم می‌گشتند و بهترین، خوش اراده و پرکارترین افرادی را که می‌شناختند به کار برای اهل‌بیت(ع) دعوت می‌کردند. کار برای بازسازی عتبات عالیات چنان برای سردار سلیمانی مهم و جدی بود که حتی وقتی داعش به عراق حمله کرد یا برای مثال به شمال کربلا رسید، حلقه امنیت دور حرم محفوظ بود و زائران باوجود جنگ و درگیری در عراق، در امن‌امان‌ها به زیارت اهل‌بیت(ع) می‌رفتند و پیاده‌روی پرشکوهِ و میلیون‌ی اربعین را هر سال باشکوه و امن‌تر از سال قبل برگزار می‌کردند. علویون و نیروهای بسیج مخلص دبروز حالا در قالب «شدالشعبی» منسجم و متحد شده بودند و در کنار دیگر نیروهای مدافع حرم، جان‌برکف از حرم



آل الله محافظت می‌کردند.
اوچ امنیت زائران در اوچ درگیری در منطقه و از سویی دیگر روزبه‌روز توسعه و پیشرفت کار عمرانی بازسازی عتبات با درایت سردار، سلحشوری مدافعان حرم و همت جمعی اعضای ستاد از مسئول گرفته تا کارگران این ماجرای باشکوه را رقم زده بود.

سردار حسن پسلارک نایب رئیس سابق هیئتمدیره ستاد توسعه و بازسازی عتبات به نقش اثرگذار سردار سلیمانی در احیای راه‌پیمایی اربعین و موکب‌ها اشاره و بیان می‌کند:
سردار سلیمانی بر این باور بود که باید تمام امکانات کشور در این راه به کار گرفته شود.
سردار سلیمانی خود به عنوان متولی وارد میدان می‌شد و می‌گفت این کار اقدام کوچکی نیست و به تنهایی از عهده یک ارگان، نهاد یا فرد برنمی‌آید؛ باید کل کشور بسیج شود. او ساختاری پیشقدم داد و نهادی مانند ستاد اربعین تشکیل شد. در این ستاد ۱۰۴ سازمان، نهاد و دستگاه مختلف پای کار آمدند.

سردار پلارک با یادکرد نمونه‌هایی از اقدام‌های شهید سلیمانی می‌گوید:
سردار برای فرماندهی در میدان حاضر بوده به طور نمونه از سامرا زنگ می‌زد که در این شهر کمیود ماشین وجود دارد و از نهادهای مرتبط درخواست رفع مشکل می‌کرد.
با پیگیری‌هایی که ایشان داشت، کمتر از ۲۴ ساعت ۳۰۰ دستگاه اتوبوس را به سامرا فرستادیم تا زائران را جابه‌جا کنند.
با اربعین ۹۷ با پیگیری و دستور ایشان با سرعت هر چه تمام پهنهایی از فرودگاه مهرآباد به فرودگاه نجف تخلیه کردیم تا زائران سرما نخورند. او مرد میدان بود و می‌گفت همه مسئول هستیم و باید کمک کنیم؛ پس از پایان مراسم پس از همه تشکر می‌کرد. همه فکر می‌کردند سردار در میدان نبرد حضور دارد اما کسی نمی‌دانست که او

دو ماه پیش از اربعین در عراق است و حشدالشعبی و تمام جریان‌های همسو را برای امنیت زائران سازماندهی می‌کند؛ او حتی امکانات پشتیبانی و لجستیکی را فراهم می‌کرد.

در ادامه از سایر شهدای در پیاده‌روی اربعین نیز یاد می‌کنیم.

شهید محسن حججی

و علمداری در راه‌پیمایی اربعین
شهید حججی، نماینده و سخنگوی شهدای معلول و بی‌سر، سال قبل از شهادت‌ش در راه‌پیمایی اربعین پرچمداری و علمداری می‌نمود.

کلیبی که از شهید حججی در فضای مجازی



توسط تورریست‌های داعشی انجام شد که این حمله با معجزه الهی در زمین گیر شدن و دستگیری تورریست تا ندندان مسلح داعشی توسط یک خادم سادۀ و غیرمسلح حرم شاهچراغ با دستان خالی انجام ماند.

در این حمله تورریستی دو شهید تقدیم گردید.
یک شهید با نام «غلامعباس عباسی» که در همان دقیق اولیه حمله تورریستی در خود حرم شاهچراغ آسمانی گردید و شهید دوم برادر بسیجی محمد جهانگیری را مأموران امنیتی حرم بود که درگیری با تورریست تکفیری به دلیل اصابت گلوله به شدت مجروح گردید و در ۲۳ مرداد ۱۴۰۲ به شهادت رسید.

خود را در زندان‌های رژیم بعث عراق سپری کرد. محدثه دختر شهید عباسی که خادم شاهچراغ است، ماجرای خادمِ شاهچراغ شدنِ پدر را چنین شرح می‌دهد:

«بابا پاسدار بود و در شهرستان خرامه شیراز مشغول خدمت، بازنشته که شد آدمیم شیراز. من خادم شاهچراغ شدم و بابا هم دل توی دلش نبود که لباس خادمی را بپوشد. گفت باباجان دعا کن منم لیاقتش را داشته باشم. فرم فرم خرواست بر کرد. آن قدر رفت و آمد که بالاخره به آرزویش رسید.»
روزی که لباس خادمی سخن و سزای برادر امام رضا(ع) قواره تنش شد، انگار همه دلخوشی‌های



دایی می‌گوید:
«یک سال قبل دایی آمده بود خانه‌مان. گفتم دایی ما به سن و سال شما برسیم آرزو داریم برای خودمان؟ مثلاً همین شما هنوز برای خودت آرزو داری؟ بجهات که عاقبت بخیر شدند. خودت هم همین‌طور. گفت آرزو بر هیچ کس عیب نیست. دایی‌جان، حتی به من بپرسرد. من یک آرزوی بزرگ دارم، اینکه با شهادت از این دنیا برم. گفتم دایی آرزویت محال است. گفت کار برای خدا نشد ندارد. آن روز نه من، نه دایی، هیچ کدام فکرش را نمی‌کردیم یک سال دیگر این آرزو آن هم به این شکل برآورده شود.»

مادر شهید حسین کمال حمود رضوان، در گفت‌وگو با برنامه صبح جدید شبکه العالم گفت:

شهدا

پشتازان و میدان‌دارانِ راه‌پیمایی اربعین

کامران پور عباس



دنیا و اخری یک‌جا جمع شده بود در این کت و شلوار سرمه‌ای رنگ. آن روز را محدثه خاتم خوب یادش هست:

«بابا از خوشحالی روی زمین بند نبود. شادی و سرور عجیبی که تا حالا توی بابا ندیده بودیم. رفت کلی شیرینی گرفت و پخش کرد. یکی دو جعبه هم گذاشت برای حرم شاهچراغ. گفت می‌برم حرم تعارف زائرها می‌کنم. می‌خواست خوشحالی‌اش را با زائران حرم شهاه چراغ قسمت کند. آن قدر که بچه دوست بود، گفت یک جعبه شیرینی مخصوص بچه‌هایی که می‌آیند زیارت آقا»

همسر شهید نیز خاطرنشان می‌ناید:

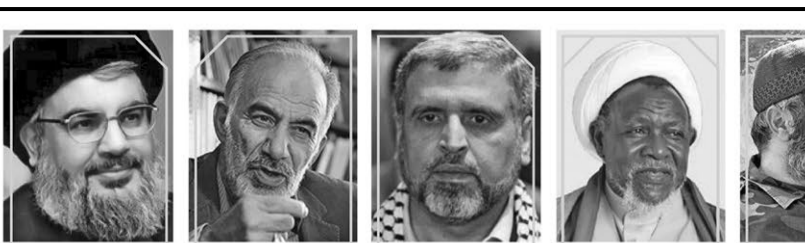
«لباس خادمی آستان شاهچراغ برای غلام عباس خیلی مهم بود. هر روزی که نوشتش بود و جبهه‌های نبرد حق علیه باطل کردید. در پشت جبهه نیز در زمینه جمع آوری کمک‌های مردمی برای جنگ در نقاط مختلف فعالیت داشت و کار برای خدا را افتخاری برای خود می‌دانست.

پس از پایان جنگ تحمیلی در ناحیه مقاومت سپاه خرامه خدمت کرد و در سال ۱۳۸۲ بازنشته شد.
برادر بزرگوار این شهید گرانقدر نیز زاده و جانبا:
۵۰ درصد دفاع مقدس بود که ۲ فروردین سال ۱۳۶۱ در عملیات فتح‌المبین بر اثر موح انفجار و ترکش از نواحی پای راست و چپ، سر، گوش، کمر، چشم و داخلی مجروح شد و به اسارت نیروهای محبان حضرت فاطمه خرامه بود و بزرگ جمع. اما

صفحه ۷

دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۲

۱۸ صفر ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۳۸۹



بعد از ۴۰ روز رقت سوریه، مدافع حرم شد و در محرم بعدی رفت به ملاقات سالار شهیدان.
دیگری داشت. خم می‌شد جلوی پای عزاداران کوچک. می‌گفت این‌ها که از سنن پایین پای دم و دستگاه اهل بیتند عاشق‌ترند. باید هواشان را بیشتر داشت.

هشت روز مانده بود به اربعین سال ۱۳۹۳، شب ساعت یازده بود که مجید قربان خوانی سراسیمه آمد خانه. به مادر گفت وسایلم را جمع کن که عازم کربلا هستم.
مادر گفت: زودتر می‌گفتی که به چند تا از فامیل و آشنا خبر می‌دادیم. عجله داشت و رفاقیاش داخل ماشین منتظرش بودند. چه رفاقی‌ی و چه سفر اربعینی. تا برسند مرز مهران صدای آهنگ‌شان و بگو بخندنشان بلند بود. گویا کارناوال شادی راه انداخته بودند.

مجید اولین‌بار که رفت داخل حرم حضرت علی(ع)، کمی تغییر کرد و کم‌حرف شد. هر بار هم که می‌رفت حرم دبر می‌گشت آن هم با چشم‌های خون. رققا مانده بودند که خود مجید است یا نقش جدید.

پیاده‌روی که شروع شد، مجید غرق در خودش بود. نه می‌گفت و نه می‌خندید. پایش که رسید بین‌الحرمین، از دزد شکست. دیگر دست خودش نبود. ذکر یا حسین، یا حسین بود و اشک و ناله. وقتی می‌خواستند بر گردند، به صمیمی‌ترین دوستش گفت: توی این چند روز از امام حسین خواستم که آدمم کند. اگر آدمم کند. دیگر هیچ چیز نمی‌خواهم.

آقا مجید حزی دیگر شده بود. فاصله بین توبه و شهادتش ۱۳ ماه بیشتر نبود.

شهیدی که آرزو داشت

عکسش را در راه‌پیمایی اربعین برزند

حسین ولایتی‌فر از تکاورهای سپاه بود که در ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ در حمله تورریست‌ها به مراسم رژه نیروهای مسلح در اهواز در سن ۲۲ سالگی به شهادت رسید.

گویی که شهید حسین ولایتی‌فر برات شهادتش را در پیاده‌روی اربعین از امام حسین گرفت. نمانگی از شهید پخش شده که دردبرنده جمله‌ای با این مضمون از شهید است که طی پیاده‌روی می‌گوید: «آن‌شاه‌الله سال دیکه عکس ما رو بگیرن و بگن به یاد حسین ولایتی».

وحید یامین‌پور مجری و تهیه‌کننده تلویزیون با انتشار فیلمی از آخرین اربعین شهید حادثه اهواز نوشت: «ببینید شهید ولایتی‌فر(پورخیشگر) شهید حادثه تورریستی اخیر در اهواز در راه‌پیمایی اربعین سال گذشته دعا می‌کند سال بعد عکس او را به عنوان شهید در راه‌پیمایی اربعین روی دست بگیرند!

دعایت مستجاب شد حسین عزیز. شماها کی وقت کردید این قدر صاف و آسمانی شوید؟ پای درس کدام استاد نشستید؟ با کدام ذکر و ورد مستجاب‌الدعوه شدید؟!»

خدمت‌بدون چشمداشت به زائران اربعین

شهید مدافع حرم حمیدرضااسداللهی دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عرب در دانشگاه تهران و از فعالان و نخبگان حوزه بین‌الملل و از بانیان کنگره لقاءالحسین بود که ارتباط مؤثر و مستمری با نیروهای جهادی دیگر کشورها داشت و بعد از شهادتش، مراسماتش در کشورهای عراق و یمن و پاکستان برای بزرگداشتش برگزار شد.

سید زمان جواد علی، دوست عراقی شهید می‌گوید: او اول یک مجاهد در خدمت امام حسین(ع) بود. در عراق فرجه داشت تا کربلا و تا کاپلمین بدون چشمداشت فقط برای خدمت کار می‌کرد. ما با هم عهده بسته بودیم که در ایامی که حمید به نجف و کربلا می‌آمد، با کمک دیگر بچه رزوار امام حسین(ع) خدمت کنیم.
سفر زیارتی امام حسین را هیچ وقت ترک نکند
شهید زمان جواد علی، دوست عراقی شهید می‌گفت که سفر زیارتی امام حسین(ع) را هیچ وقت و تحت هیچ شرایطی ترک نکن؛ حتی اگر شده سالی یک مرتبه آن هم در موقع اربعین شهادت امام حسین(ع) خود را به کربلا برسان، حتی اگر شده فرش خانان‌ت را بفروش و مقدمات سفر کربلا را مهیا کن و این سفر را ترک نکن و این شاخص‌ترین سخنی بود که آقا مهدی درباره سفر اربعین به بنده می‌گفت.

همسر شهید می‌افزاید: خاطره شیرینی که از آخرین سفر مشترک‌مان به کربلا در پیاده‌روی اربعین در یادم مانده است، این است که در بخشی از راه باران شروع به باریدن کرد، فردنمان در آن همان زمان گرمی می‌کرد و غذا می‌خورده‌ام. زمان آقا مهدی پتو بالای سرم گرفت که باران روی سرم نریزد و گفت شما این‌جا نشین و به چپه غذا بده. من همان‌جا نشستم و به آقاهادی غذا دادم.

آری از آنها در دوران هشت ساله دفاع مقدس یزاد رفتند، با عشق رفتند، با بصیرت رفتند، با آگاهی رفتند تا راه را برای ما باز کنند. ما حلالیم و یاد و خاطر آنها که در پیاده‌روی‌های شبانه‌شان امام حسین(ع) بر زبان جاری ساختند و کربلا ذکر لبجا‌یشان بود. در مسیر اربعین ناپابلزبارهمان باشیم و آنها را یاد کنیم که زیبایی این پیاده‌روی نشئات گرفته از آن روزها و نمره باران حسین(ع) و سربازان پیر خمین است.
اتماس دعا.

راهی که باید رفت

بودند. چه صبیری داشت زنب کبری(س) که با دیدن این‌همه مصائب، شهادت یاران ابا عبدالله(ع)، دیدن سرباهای بریده روی نی، غارت خیمه‌ها و رنج اسارت، تنها فرمود: «و ما رایت الا جمیلاً»

به‌راستی در این جملات بی‌بی چه نهفته است، نهضت عاشورا چه زیبایی‌هایی داشت که حضرتش، دید و سختی‌های داغ و سفر کوفه تا شام را تحمل کرد و با بیان همین جمله آتش به کاخ و جان یزید انداخت و شام و افکار شامیان را متحول ساخت و همان‌هایی که در بدو ورودشان به شام هلله می‌کردند جنگ به صورت انداختند و بر شهدای کرب و بلا نوحه سردادند، ضجه زدن و صورت خراشیدند. من درکم از این جمله نا توان است و تنها می‌دانم آن‌قدر این جمله عمیق و دارای مفاهیم بلند است و شورانگیز که بعد از گذشت هزار و اندی سال از وقوعش هنگامی که برای غلام عباس تا آخر عمرشش غلام عباس(ع) و

حسین(ع) و خاندانش بود. خودش را خاک پای هیبتی‌ها می‌کرد. حاجی غلام عباس پیرغلام هیبت

کربلا-کربلا ما داریم می‌اییم.

و رفتیم که به آن سرزمین برسیم. رفتیم که ثابت کنیم محرم و صفر است که خیرمایه حرکت است. ثابت کنیم فرهنگ عاشورا زنده است و در زمان جاری است. ثابت کنیم کربلا سرزمین حیات است و چه زیبایی‌هایی که در این مسیر ندیدیم. هرچند به زیبایی‌هایی که بی‌بی زنب کبری دیده بود نمی‌رسید اما شمای از واقعه عاشورا را می‌بینی. بد نیست شکیده و ترک خورده و مرزه تشنگی را در گرمای خورستان چسبیدیم. در سنگر ایستادیم. مگر کربلای یک را می‌توان فراموش کرد. آتش و خون را در کربلای ۴ دیدیم. تن‌های شرحه شرحه و تکه تکه را که

ابوالقاسم محمدزاده

در کربلای ۵ دیدیم مگر می‌توانم حشمت‌الله جلیلیان و بدن پاره باراهش را فراموش کنم که از گوشه و کنار دشت جمع‌آوری شد و شاید قسمت‌هایی از بدنتش با خاک درآمیخت. تن‌های بی‌سر و سرباهای بی‌تن را دیدیم و چه کربلای بود کربلای ایران. چه نیتواپی بود دفاع هشت ساله‌ای که در مقابل یزیدیان زمان، استکبار جهانی شرق و غرب و لشکریان عمر سعد زمان، نیروهای رژیم بعث و عبدالله بن زیاد روزگار صدام شکل گرفت و جنگی تحمیلی را به دفاعی مقدس تبدیل کرد که برای سالیان سال افکار و اندیشه‌ها را به تنگناش و خواهد داشت که عاشورا چه الگویی جاری و زنده برای تمام زمان‌ها خواهد بود و چه زیاست؛ کل یوم عاشورا و کل ارض کرب و بلا. و چه نسری در اربعین است که عقل‌ها و اندیشه‌ها تاوان از درک آن و تنها می‌توانم گویم؛ اربعین ادامه همان مسیر است. و یادآوری کنم پیاده‌روی زمندانگی را که در مسیر رفتن‌شان به سمت حمله گاه شهادت زمزمه می‌کردند؛

– کربلا کربلا، ما داریم می‌اییم.

آری از آنها در دوران هشت ساله دفاع مقدس یزاد رفتند، با عشق رفتند، با بصیرت رفتند، با آگاهی رفتند تا راه را برای ما باز کنند. ما حلالیم و یاد و خاطر آنها که در پیاده‌روی‌های شبانه‌شان امام حسین(ع) بر زبان جاری ساختند و کربلا ذکر لبجا‌یشان بود. در مسیر اربعین ناپابلزبارهمان باشیم و آنها را یاد کنیم که زیبایی این پیاده‌روی نشئات گرفته از آن روزها و نمره باران حسین(ع) و سربازان پیر خمین است.
اتماس دعا.